

The pivotal role of commendation in the cultural strategies of society

Hakakan, Mahya

Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, mhakakan@yahoo.com

FayyazBakhsh, Nafise

Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Corresponding Author, n.fayyazbakhsh@iauctb.ac.ir

Savadi, Esmat

Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities and Management, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran, savadi.e@wtiau.ac.ir

Shahroudi, Mohammad Reza

Theology and Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, mhshahroodi@ut.ac.ir

Abstract

Praise is the root of all moral virtues and the main pillar of individual and social education. A virtue that has been severely overshadowed by the promotion of the Western way of life. The cultural vulgarity of today's society is the result of years of soft cultural warfare of the enemy and large and long-term investments. The solution to neutralize this comprehensive struggle is to change the cultural strategies of the society and to use a new discourse in the public space of the country with the focus on commendation. This research has been done by descriptive-analytical method and documentary method has been used to collect data. At first, the concept of modesty (modesty) has been studied and then by analyzing the verses, narrations and manners of the infallibles, peace be upon them all, the central role of this virtue has been expressed among religious teachings. Then, the three vertices of the istihaya triangle, namely hijab, chastity and zeal, are examined as factors related to modesty. . The innovation of this research is

the necessity of policymakers to pay attention to modesty as an appendix of all planning and activities and to identify the most effective tools for the leapfrog growth of society's culture. Strengthening the modesty of women as an individual who plays a pivotal role in the family center, and as a result, the expansion of patriarchal families as the building blocks of society, is the most important strategy that can organize cultural strategies to achieve the desired culture.

Keywords: modesty, admiration, hijab, chastity, zeal, cultural strategy.

نقش محوری استحياء در راهبردهای فرهنگی جامعه

محیا حکاگان

گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
جنوب، تهران، ایران mhakakan@yahoo.com

نقیسه فیاض بخش

الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) n.fayyazbakhsh@iauctb.ac.ir

عصمت سوادى

الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
غرب، تهران، ایران savadi.e@wtiau.ac.ir

محمد رضا شاهرودی

الهیات و معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mhshahroodi@ut.ac.ir

چکیده

استحياء ریشه همه فضائل اخلاقی و اصلی‌ترین رکن تربیت فردی و اجتماعی است. فضیلتی که با ترویج سبک زندگی غربی تحت‌الشعاع قرار گرفته است. ولنگاری فرهنگی جامعه امروز، ثمره سال‌ها جنگ نرم فرهنگی دشمن و سرمایه‌گذاری‌های کلان و بلندمدت است. راهکار بی‌اثر کردن این نبرد همه‌جانبه نیز نیازمند تغییر راهبردهای فرهنگی جامعه و به‌کارگیری گفتمانی نو در فضای عمومی کشور با محوریت استحياء است.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام و برای گردآوری داده‌ها از شیوه اسنادی استفاده شده است. در ابتدا به بررسی مفهوم استحياء (حیا) پرداخته و پس از آن با واکاوی آیات، روایات و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نقش محوری این فضیلت در میان آموزه‌های دینی بیان شد. سپس سه رأس مثلث استحياء یعنی

حجاب، عفاف و غیرت به عنوان عوامل هم بسته با حیا مورد بررسی قرار گرفت و در قسمت نتیجه‌گیری به چند راهبرد فرهنگی مؤثر برای تغییر شرایط فرهنگی کشور اشاره شد و نقش محوری استیحاء در هر یک از آنها تبیین شد. نوآوری این پژوهش، ضرورت توجه سیاست‌گذاران به حیا به‌عنوان پیوست کلیه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها و شناسایی مؤثرترین ابزار برای رشد جهشی فرهنگ جامعه است. تقویت حیای زنان به‌عنوان فردی که نقش محوری در کانون خانواده دارد و در نتیجه آن گسترش خانواده‌های حیامدار به عنوان سلول‌های سازنده جامعه، مهم‌ترین راهبردی است که می‌تواند راهبردهای فرهنگی را در جهت رسیدن به فرهنگ مطلوب ساماندهی کند.

واژگان کلیدی: حیا، استیحاء، حجاب، عفاف، غیرت، راهبرد فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۲/۲۴ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۲/۰۵
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۳، بهار ۱۴۰۱، صص
263-236

مقدمه و بیان مسأله

غربی‌ها به این نتیجه رسیدند که بهترین راه نفوذ در کشورهای دیگر، نفوذ در فرهنگ و استحاله درونی آنها است. غرب می‌خواهد ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه دهد و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها کرده و از این راه، از منافع آینده خود در این کشورها اطمینان حاصل کند (خرم، ۱۳۷۶، ص. ۱۵). این راه نفوذ که به آن تهاجم فرهنگی و یا جنگ نرم گفته می‌شود، یک‌سویه، غیردوطلبانه و سلطه‌گرانه و با هدف ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۳). تهاجم فرهنگی از طریق ترویج بدحجابی و بی‌حجابی و پوشش‌های مستهجن و خلاف شئون اسلامی، رواج مدهای غربی و بی‌بندوباری، تهیه و پخش فیلم‌ها و موسیقی‌های ضداخلاقی، تولید و پخش مشروبات الکلی و مواد مخدر، چاپ و نشر کتب و مجلات ضداخلاقی و تمامی ابزارهای فرهنگی مکتوب، شفاهی و تصویری اتفاق می‌افتد (مسگرنژاد، ۱۳۷۳، ص. ۴۶). این تهاجم باعث دگرگونی ارزش‌های عفت، حیا، حجاب و غیرت در جامعه شده و بافت بخشی از مردم ایران را از مردمانی مأخوذ به حیا، به غرق‌شدگانی در سبک زندگی فاقد حیا تغییر داده است. به صورت کلی تهاجم فرهنگی از نظر اجتماعی باعث سست شدن نهاد خانواده، افزایش میزان طلاق، دوقطبی شدن فرهنگ، فساد و ابتذال، تضاد بین نسل‌ها و ناامنی و از بین رفتن اعتماد میان مردم می‌شود. در ابعاد فرهنگی نیز باعث به‌وجود آمدن نظام آموزشی وابسته، فراموش شدن ارزش‌های خودی، مسخ فرهنگی، اضمحلال هویت فرهنگی، ازخودبیگانگی، سست شدن اعتقادات و ایمان مردم، تحقیر و تحریف تاریخ، تغییر خط و زبان و تحمیل فرهنگ دلخواه می‌شود (بنی فاطمه،

۱۳۷۹، ص. ۳۶). در این شرایط حساس ضروری است که کارگزاران فرهنگی و اجتماعی با برنامه‌ریزی، افراد آسیب‌پذیر را شناسایی کنند و برای ایمن‌سازی آن‌ها اقدام نمایند. همچنین افرادی را که مورد تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار گرفتند، باید شناسایی کرده و با استفاده از روش‌های پیشگیرانه، آن‌ها را از آلودگی‌ها دور کنند (طباطبایی امیری & محمدیان، ۱۳۹۱). اما آنچه که از سویی به عنوان واکسن و از سوی دیگر به عنوان مرهم بیش از همه اثرگذار است، استحياء (حیا) به عنوان ریشه همه فضائل اخلاقی است (متقی، ۱۳۷۲). راهبردی که در صورت در محوریت قرار گرفتن در میان راهبردهای فرهنگی جامعه و تغییر گفته‌مان و تبلیغی نو از آن، می‌تواند فضای عمومی کشور را به نفع ارزش‌های دینی و بومی کشور تغییر دهد. مقوله‌ای که باید نصب‌العین تصمیم‌سازان و مجریان فرهنگی کشور قرار بگیرد. این نقش محوری مقوله‌ای است که در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین نیز به آن توجه ویژه‌ای شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق) (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷) در واقع این مقاله می‌کوشد با تبیین جایگاه استحياء به عنوان محور راهبردهای فرهنگی جامعه، بیش از پیش سیاستگذاران را با اهمیت این مفهوم آشنا کرده و آن را به عنوان پیوست فرهنگی کلیه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی مطرح نماید. نوآوری این مقاله در مقایسه با پژوهش‌های این حوزه، نگاه از زاویه‌ای جدید به این موضوع و ضریب دادن به تأثیرات شگرف این فضیلت انسان‌ساز در میان راهبردهای فرهنگی جامعه است. در واقع با تقویت این صفت اخلاقی در جامعه، بسیاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی کاهش پیدا کرده و مسیر فرهنگ در جاده رشد و تعالی هموار می‌شود.

هدف و سؤال پژوهش

هدف مطالعه حاضر شناخت جایگاه استحياء به عنوان محور راهبردهای فرهنگی جامعه است. سؤال اصلی مقاله این است که استحياء در آموزه‌های اسلامی چه جایگاهی دارد و چه فضائلی، این فضیلت اخلاقی را تقویت می‌کند؟

پیشینه تحقیق

مرور پیشینه نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی به صورت مستقل و رسمی به واکاوی استحياء به عنوان محور راهبردهای فرهنگی جامعه نپرداخته است؛ اما با

توجه به محتوا و مضامین این پژوهش در سایر ابعاد نظری، نزدیک‌ترین موارد معرفی می‌شود.

علی محمدی و کاوند (۱۳۹۷)، در پژوهشی به خانواده به‌عنوان اولین گروهی که هر انسانی آن را تجربه می‌کند، پرداخته‌اند. بر طبق پژوهش مذکور، هر خانواده باید مناسبات مرتبط با حیات را در خود داشته و حفظ کند. از این رو خانواده‌ای که دارای مؤلفه‌های فرهنگ دینی و پرورش دهنده فرزند صالح باشد، اهمیت دارد. امانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای کاربردی در حوزه اخلاق اسلامی و با استفاده از آیات و روایات، به موضوع احیای حیا در جامعه توجه کرده است. این پژوهش نتیجه‌گیری می‌کند که در صورت احیای حیا در جامعه، فضایل اخلاقی دیگر نیز احیا و باعث اخلاقی شدن افراد جامعه می‌شود. اسدیان و دیگران (۱۳۹۴)، در پژوهشی توصیفی-تحلیلی طراحی مدل مقدماتی حیا مبتنی بر برداشت از آیات قرآن را به پژوهش گذاشته‌اند. در این مطالعه، پژوهشگران با واکاوی واژه حیا، تمام آیات مرتبط در قرآن را احصاء کرده‌اند. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش این است که ویژگی حیا، محافظ نفس است و با توجه به دو عامل جنسیت و شرایط، می‌تواند بر اساس روش‌های متعددی در گستره بدن و رفتار خود را آشکار کند. معیدفر و دهقانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی کیفی فرهنگ ایرانی را فرهنگی همراه با پوشیدگی و رعایت عفت و حجاب معرفی می‌کند که در دوره معاصر دچار چالش شده و ما شاهد مظاهری از بدحجابی هستیم. این پژوهش الگوی زندگی جامعه جدید را علت اصلی دگرگونی‌های پدید آمده در زمینه بدحجابی می‌داند. الگویی که در آن طبقه مرفه با اهمیت دادن به بدن، فرهنگ جلوه‌گری و تظاهر، رفاه‌زدگی و مدرگرایی سعی می‌کند خود را از دیگران جدا کند. این الگو تا جایی نفوذ کرده که حتی طبقه‌های متوسط و پایین را نیز برای خودنمایی و تظاهر به ویژه با لباس و آرایش، به صرافت انداخته است. این مقاله به خوبی ابعاد فرهنگی و اجتماعی توسعه بی‌حجابی را مورد مذاقه قرار داده است. توانا (۱۳۸۷)، به بررسی عوامل فرهنگی، سیاسی و تاریخی گسترش بدحجابی در تاریخ معاصر ایران پرداخته است. تمرکز پژوهش بر ریشه‌یابی علل گسترش بدحجابی در سال‌های اخیر، شناخت شیوه‌هایی که در عصر پهلوی برای گسترش و نهادینه‌سازی بدحجابی به کار گرفته شد و بهترین روش‌ها در گسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف، معطوف است. مالمیر (۱۳۸۷)، در پژوهشی ضمن برشمردن ابعاد فقهی و حقوقی، به مسئله حجاب از منظر جامعه‌شناسی

پرداخته و با تحلیل وضعیت حجاب در جامعه ایران با توجه به گزارش‌ها و آمارها، به بررسی ریشه‌ها و پیامدهای بی‌حجابی پرداخته است. عیسی نیا (۱۳۸۷)، در پژوهشی جایگاه پوشش زنان ایران در دوره جمهوری اسلامی را مبتنی بر نظریه ساخت‌بندی به پژوهش گذاشته است. وی ضمن بررسی انتقادی به نقاط ضعف و نارسایی‌های تحلیل‌گران ساخت‌گرا و اراده‌گرا به طرد و نفی این دو دیدگاه پرداخته است. ندری ابیانه (۱۳۸۷)، با رویکردی آسیب‌شناسانه و با روش کیفی به مسئله حجاب در دانشگاه‌ها پرداخته و تمرکز خود را بر دانشجویان معطوف کرده است. این پژوهش عملکرد دانشجویان را حاصل سال‌ها تربیت خانوادگی، تعلیمات کلاسیک در نهاد‌های مختلف آموزشی، برخورداری از امکانات ارتباط جمعی و برنامه‌ریزی سیاست‌مداران کشور می‌داند. این مقاله با انتخاب رویکرد تاریخی-اجتماعی، به کارکرد تربیت نسل حجاب پرداخته است. اسحاقی (۱۳۸۷)، مطالعه‌ای کیفی درباره جایگاه زن انجام داده است. مباحث و نتایج این پژوهش عبارت هستند از جایگاه زن به‌عنوان مربی بشر، تربیت‌کننده فرزند صالح و رهایی‌دهنده امت از گمراهی، حیا عامل مؤثر بر پوشش بانوان و مانع انحراف و ضامن پاکدامنی و نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی. سیدی تبار (۱۳۸۷)، به بررسی علل بدحجابی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی مبادرت کرده است. تمرکز پژوهش بر حضور ملموس تر زنان بر اثر نیازهای گوناگون آموزشی، اجتماعی، سیاسی، پزشکی و ... معطوف است. پورفرد (۱۳۸۷)، به بررسی انتقادی عملکرد نهادهای فرهنگی از بُعد عملیاتی به مفهوم حجاب اقدام کرده است. جایگزین شدن نهادهای مردمی فعال در زمینه مسئله حجاب با نهادهای دولتی از رویکردهای پیشنهادی این پژوهش است.

سیمین دخت (۱۳۸۷)، به بررسی انتقادی نظام اجرایی کشور و عملکرد آن در زمینه توسعه و تعمیق فرهنگ حجاب پس از انقلاب پرداخته است. زیبایی نژاد (۱۳۸۷)، در پژوهشی به بیان حساسیت‌های اجتماعی مسئله پوشش زنان در نظام اسلامی پرداخته است. بر طبق پژوهش مذکور حساسیت این موضوع تا حدی بالاست که باید ورود در این عرصه به‌صورت دقیق و عالمانه و به دور از هرگونه برخورد سطحی و ناپخته باشد. طیبی (۱۳۸۷) مطالعه‌ای کیفی درباره راهکارهای توسعه حجاب انجام داده است. مباحث و نتایج این پژوهش عبارت هستند از: نقش حکومت اسلامی در ایجاد و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، ضرورت به‌کارگیری همه توانایی‌ها، اختیارات و امکانات موجود در نهادهای کشور و نهادینه‌سازی، گسترش و حفظ فرهنگ عفاف و حجاب. واعظی (۱۳۹۲)، در پژوهشی کیفی به روش تحلیل مضمون

به بررسی جایگاه عفت در ارتباطات میان‌فردی از منظر آیات و روایات پرداخته است. مباحث و نتایج این پژوهش عبارت هستند از: عفاف به عنوان یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های دین اسلام و شالوده هر گونه رابطه انسانی، تقوای اخلاقی و مالی به عنوان ملاک الزام به عفاف در روابط اجتماعی، تجلیات و نمودهای عفاف در تعاملات کلامی و غیرکلامی، ابعاد عفاف در سه حوزه اندیشه، کردار، گفتار و ارتباط بین محارم و غیرمحارم. محمدی (۱۳۹۸)، مطالعه‌ای کیفی از آثار تربیتی حیا و روش‌های پرورش آن از منظر سوره نساء انجام داده و آثار تربیتی حیا واکاوی و احصاء شده است. نادری (۱۳۹۳)، نیز در پژوهشی مشابه تمرکز خود را بر نقش حیا در تربیت اسلامی و آثار حیا معطوف کرده است. کیفی بجزستانی (۱۳۹۴)، نیز با تبیین آثار تربیتی حیا و ادب بر زندگی انسان‌ها از دیدگاه قرآن، به تأثیر حیا و ادب در زندگی انسان پرداخته است.

ملاحظات مفهومی و نظری

1. تعریف مفاهیم

۱-۱- استحیاء

به معنای «بقاء حیاء» یعنی باقی ماندن حیاست. استحیاء در قرآن کریم به معنای «یَسْتَحِیُّ» و معادل شرم می‌کند و یا زنده نگه‌می‌دارد، به کار رفته است. کلمه استحیاء در آیه مبارکه «وَأَسْتَحِیُّوا نِسَاءَهُمْ» (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۴۶۷) به معنای طلب حیات و زندگی است؛ ممکن است معنای آن، این باشد که با زنان شما کارهایی می‌کردند که حیا و شرم از آن‌ها برود (طباطبائی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۸۷). در آیه ۲۵ سوره قصص نیز استحیاء به معنای ظهور و بروز عفت و شدت حیا در رفتار دختر شعیب آمده است. این واژه در آیه ۵۳ سوره احزاب درباره حیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به کار رفته است که مفسران آن را به معنای حلم ایشان دانسته‌اند (میرسلیم، ۱۳۷۵، ص. ۶۶۶۴). از آنجا که معنای استحیاء و حیا به‌طور تقریبی هم‌پوشانی دارد، معنای این دو واژه بر اساس تعاریف اهل لغت و ویژگی شناسی آن در جدول زیر به تفصیل ذکر شده است.

جدول شماره یک. تعاریف لغوی و ویژگی‌شناسی استحیاء و حیا

لغت شناس	تعریف لغوی	ویژگی‌ها
ابن فارس (۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۲)	الحاء و الباء و الحرف المعتل أصلان: أحدهما خلاف المَوْت، وقاحه دلالت بر سختی یک چیز می‌کند. به حیوانی که سَم آن سخت است، وقاح می‌گویند و آدم کم حیا را نیز به آن تشبیه می‌کنند (ابن فارس، ۱۳۶۲، ج ۶ ص ۱۳۲، فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۵۶، ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۴۳۷)	ویژگی روانی: رقیق الوجه بودن
(فیومی، ۱۳۸۳، ج ۱ و ۲، ص ۱۶۰)	(و استحیا) مِنْهُ وَ هُوَ الْإِنْقِیَاضُ وَ الْإِنْزِوَاءُ. قَالَ أَبُو زَیْدٍ (الحیا) اسمٌ لِلدُّبْرِ مِنْ كُلِّ أَثْنَى مِنَ الظُّلْفِ الخُفِّ وَ غَیْرِ ذَکِّ وَ قَالَ الْفَارَابِيُّ فِی بَابِ (فَعَالٍ) (الحیا) فَرَجُ الْجَارِیَةِ وَ النَّاقَةِ.	ویژگی روانی: انقباض و انزوا کاربرد: عورت حیوان
(طریحی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۲)	الحیا تغییر و انکسار یعنی انسان من تَخَوَّفَ ما یعاب به و یدم الإستحیا، و هو الانقباض و الانزواء عن القبیح مخافه الذم الحیا من شَعَبِ الْإِیْمَانِ " و ذلک لَأَنَّ الْمُسْتَحِیَّ یَنْقَطِعُ بِحِیَائِهِ عَنِ الْمَعَاصِی، وَ إِنَّمَا جَمَلُهُ بَعْضُهُ وَ مِنْ شَعْبِهِ مِنَ الْإِیْمَانِ یَنْقَسِمُ إِلَى الْإِتِمَارِ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ وَ الْإِتْمَاءُ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ، فَإِذَا حَصَلَ الْإِتْمَاءُ بِالْحِیَا كَانَ بَعْضَ الْإِیْمَانِ.	کاربرد: در اموری که معمولاً پنهان داشته می‌شود (عورت حیوان) حالت روانی: انقباض اثر: بازداری و خودنگه داری
ابن منظور (۱۴۰۵ ق، ج ۱۴، ص ۳۹۱ و ج ۱۲، ص ۱۳۵ و ج ۱۴، ص ۲۱۷)	حیا و حشمت مترادف‌اند می‌داند و حشمت را به حیا و «انقباض» معنا می‌کند. در تبیین حشمت، به یکی از مصداق‌های آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «حشمت، یعنی انقباض از برادرت هنگام غذا خوردن و حاجت خواستن.» همچنین تحشّم را به بازداری (توقی) معنا کرده است. وی همچنین یکی از کاربردهای حیا را رحم ناقه بیان می‌کند و علت آن را پنهان بودن آن از آدمی و زشت بودن تصریح به آن می‌داند. همچنین وی در تفسیر حدیث «الحیا من الإیمان»، حیا را عامل بازدارندگی بُریدن از معصیت (انقطاع) معرفی می‌کند.	کاربرد: در چیزهایی که معمولاً پنهان داشته می‌شود (عورت حیوان) حالت روانی: انقباض اثر: بازداری و خودنگه داری

2 عفاف

عفتّ حالتی است در نفس که آدمی را از غلبه شهوت مصون می‌دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۳۵۰) و صرفاً شهوت جنسی مدنظر نیست و شهوت مال، جاه، خوردن، تکلم کردن و... نیز شامل آن می‌شود. عفتّ کنترل‌کننده و عامل حرکت به سوی تعادل و پرهیز از افراط و تفریط است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص. ۳۴۰). استمرار حیا آدمی را به عفتّ و پاکدامنی سوق می‌دهد و از زشتی‌ها و پلیدی‌ها حفظ می‌کند. حیا حالتی موقت است که به هنگام روبه‌رو شدن با یک صحنه خلاف و گناه به انسان دست می‌دهد (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ص. ۳۹۴). عفتّ شاخه‌ای فراجذیبیتی از حیا و راهبرد زندگی انسانی زن و مرد مسلمان است (جزایری، ۱۳۹۰، ص. ۲۷).

3 حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع و چیزی است که بین دو چیز جدایی می‌افکند. امروزه واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی به معنای پوشش شرعی زنان به‌کار می‌رود. حجاب بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد، رفتاری اجتماعی است؛ یعنی انسان عاقل مکلف در جمع و هنگام مواجهه با دیگران از حیث پوشش، الزامات و محدودیت‌هایی را می‌پذیرد که میزان آن در فرهنگ‌ها، ادیان و جوامع متفاوت است (میرسلیم، ۱۳۷۵، ص. ۵۸۱۶). خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره اعراف، برهنگی را دام شیطان می‌خواند (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۱).

4 غیرت

طریحی غیرت را تنفر و ناپسند داشتن کسی از شرکت دیگران در امری دانسته که سخت آن را دوست دارد و مورد علاقه‌اش است (طریحی، ۱۳۸۵، ص. ۴۳۲). در واقع غیرت و حمیت یعنی تلاش در نگهداری آنچه که حفظش ضروری است. این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ‌منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از ملکه‌های نفسانی انسان است (نراقی، ۱۳۶۷، ص. ۲۶۶). مرز غیرت بسیار فراتر از غیرت ناموسی و به عنوان یک خصوصیت انسانی به معنای حساسیت و

مراقبت شدید نسبت به ارزش‌های مادی و معنوی با انگیزه‌های ایمانی است. طبعاً غیرت به عنوان خصلتی مردانه یا زنانه در نظر گرفته نشده؛ بلکه امری فطری در وجود زن و مرد است که در آموزه‌های دینی، کارکردهای متفاوتی دارد (اکبری دستک، نعمتی پیرعلی، & رودمقدس، ۱۳۹۷، ص. ۹۸). غیرت انواع و اقسام مختلفی دارد: غیرت ملی، غیرت دینی، غیرت انسانی، غیرت بر محارم و... انسان غیور همان‌گونه که نسبت به حریم‌های عمومی و ارزش‌های دینی حساس است و به جنگ دشمنان اسلام و میهن می‌رود، در دفاع از حریم خصوصی و جان و مال خویش هم حساس بوده و به دفاع از حریم خانه و خانواده می‌پردازد.

5 راهبرد فرهنگی

راهبرد فرهنگی طرح‌ها، نقشه‌ها و ترفندهایی است که به طور نظام‌مند در حوزه فرهنگ جامعه با هدف ایجاد دگرگونی در نظام ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی یا جایگزین نمودن الگوهای خاص و یا تثبیت و تحکیم آنها به کار گرفته می‌شود. اصولاً راهبرد، راهی است که برای تغییر وضعیت فعلی به یک وضعیت بهتر ابداع یا انتخاب می‌شود؛ کار بردن کلمه راهبرد فرهنگی به معنای تمرکز اصلی بر تغییر وضعیت موجود فرهنگی است. فرآیندی شامل تعیین مأموریت، هدف‌های اساسی فرهنگی و تخصیص منابع ضروری برای دستیابی به هدف‌ها (عارفی، ۱۳۹۳، ص. ۸۱). در استراتژی و راهبرد فرهنگی، تمرکز به بُعد فرهنگی جامعه از طریق استخدام ابزارهایی با ماهیتی جذاب، غیرمحسوس و خوشایند از جمله رسانه، هنر، ادبیات، علم و... است که قلوب، اذهان و اعتقادات جامعه را بدون این که حساسیتی برانگیزد، تغییر می‌دهد (عارفی، ۱۳۹۳، ص. ۹۲).

6 مبانی نظری

انسان موجودی اجتماعی است که اگر زندگی اجتماعی از او گرفته شود، موفق به خویشتن‌سازی نمی‌شود. گاهی حیات اجتماعی به علل و عواملی گرفتار انحرافات می‌شود. در قرن بیست و یکم انحرافات شکل حادثتری یافته است. طبق گزارش سازمان ملل در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ سالیانه به طور متوسط پنج درصد بر میزان جرائم در سطح جهان افزوده شده که بیش از میزان رشد جمعیت است (محققیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۸). اسلام دین قانون و اجتماع است که تکامل انسان را در زندگی اجتماعی قرار داده و به‌جای ریاضت و انزوا، زندگی در اجتماع و رعایت حدود

و قوانین الهی را به عنوان ریاضت شرعی معرفی کرده است. در اسلام جنبه های اجتماعی عبادت های گروهی مانند نمازهای جماعت و جمعه و حج که برتر از عبادت فردی است، بیش از همه رخ می نمایند. در این میان کج رفتاری یا انحراف، شیوه های رفتاری است که با هنجارها یا ارزش اکثر اعضای یک گروه یا جامعه هماهنگ نیستند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۲). انسان در فرآیند جامعه پذیری از طریق کنش های متقابل اجتماعی، شیوه راه رفتن و گفتن را می آموزد و به تدریج به کسب تجربه های مختلف می پردازد. در واقع جامعه پذیری کیفیتی است که در نتیجه آن آدمی شیوه های زندگی در جامعه را یاد می گیرد، شخصیتی کسب می کند و آمادگی آن را می یابد تا به عنوان عضو رسمی جامعه شناخته شود. اکنون به مهم ترین نظریه مرتبط با مقوله حیا پرداخته می شود تا مبانی نظری پژوهش مشخص شود.

نظریه کنترل های شخصی (خودکنترلی): دیوید ریزمن معتقد است که انسان دارای یک نوع سیستم کنترل درونی است که مانع انجام کارهای نامشروع می شود. یکی از مهم ترین عوامل خودکنترلی، پایبندی های مذهبی است که اگر در یک جامعه وجود داشته باشد، مانع انحرافات می شود. تأثیر این سیستم درونی، قوی تر از هر سیستم کنترل دیگر است. لذا عاملی که کارهای نامشروع را در جامعه تسهیل می کند، تضعیف پایبندی های مذهبی و اخلاقی مبتنی بر مذهب است (رفیع پور، ۱۳۸۸، ص. ۳۲). بازدارنده یا کنترل های درونی، به توانایی های درونی برای نظارت بر خود شخص ارجاع داده می شود. خودانگاره، خودپنداره و خودادراکی از مؤلفه های توانایی های درونی است که زمینه را فراهم می سازند تا فرد خودش را به عنوان فردی مسئول درک نموده و مسئولانه عمل نمایند و در نتیجه مرتکب رفتار انحرافی نشود (احمدی، ۱۳۸۴، ص. ۸۸).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات بنیادی نظری است و داده های به دست آمده، به روش اسنادی گردآوری شده است. در گام اول با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و منابع متعدد شامل کتابها، مقالات و پایان نامه ها، مبانی نظری تحقیق در رابطه با موضوع تبیین شد. در گام دوم با استفاده از متون دینی (آیات و روایات مرتبط با استحیاء، حجاب، عفاف و غیرت) گزاره های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و در گام سوم پس از تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده، نتیجه گیری نهایی تشریح شد.

جامعه آماری در این پژوهش، منابع اسلامی با تکیه بر متون شیعی با موضوع حیا، مدیریت فرهنگی و... است. نمونه آماری پژوهش، منابع مرتبط در دسترس است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تفسیری است و برای تجزیه و تحلیل، فعالیت‌های زیر انجام شده است: الف) تلخیص داده‌ها (ب) عرضه داده‌ها (ج) نتیجه‌گیری/تأیید

یافته‌های پژوهش

سؤال اصلی مقاله این است که استحیاء در آموزه‌های اسلامی چه جایگاهی دارد و چه فضائلی این فضیلت اخلاقی را تقویت می‌کند؟ در پاسخ به پرسش مذکور، به واکاوی جایگاه بنیادین استحیاء در آیات و روایات و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نقش محوری آن در میان راهبردهای فرهنگی جامعه می‌پردازیم. نقش بنیادین حیا در دین مبین اسلام تا جایی است که امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که حیا ندارد، دین ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۵، ص. ۱۱۱)». امام صادق علیه السلام نیز درباره حیاتی بودن این فضیلت می‌فرماید: «هرکس از حیا محروم باشد، پلیدی یکپارچه است؛ حتی اگر عابد و پارسا باشد و گام برداشتن همراه حیا، بالاتر از هفتاد سال عبادت است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۳۳۶)». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز حیا را تمام خیر دانسته و کانون زیبایی‌ها معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۳۳۵)». محوری بودن جایگاه استحیاء در میان آموزه‌های دینی تا جایی است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر حیا نباشد، هیچ کار زیبایی انجام نمی‌شود و هیچ کار زشتی ترک نمی‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۸۱)». این روایت تبیین‌کننده نقش حیا به عنوان مهم‌ترین ضرورتی است که باید متولیان فرهنگ نصب العین خود قرار دهند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جایگاه حیا را به عنوان کانون تمرکز راهبردهای فرهنگی جامعه این‌گونه تبیین می‌کند: «حیاء همه دین است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۵۴)». فطری بودن حیا، زمینه پذیرش فرهنگ حیامدار را در میان توده مردم فراهم می‌کند. امام صادق علیه السلام در باره فطری بودن حیا می‌فرماید: «ای مفضل! در آنچه که خداوند تنها انسان را در میان آفریدگان، به آن آراست بنگر. مقصودم «حیا» است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۸۱). در حدیثی امام صادق علیه السلام از حضرت عیسی سلام الله علیه اینگونه نقل می‌کنند: خداوند حیا را نیز همانند روزی بین انسان‌ها تقسیم کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ص. ۱۳۵). در واقع فارغ از مومن یا کافر بودن، خداوند رزاقیت خویش را برای همگان به منصفه

ظهور رسانده است. لذا فرهنگ حیامدار برای همه انسانها مورد پذیرش است. در پاسخ به بخش دوم سؤال اصلی این پژوهش مبنی بر فضائلی که فضیلت اخلاقی را تقویت می‌کند، پس از واکاوی متون اسلامی این نتیجه حاصل شد که سه رأس مثلث حیا، عفاف، حجاب و غیرت است. اگر فضایل نفسانی را مانند یک درخت بدانیم، حیا ریشه و ثمره آن، میوه‌های فراوانی از مکارم اخلاقی است؛ حضرت علی علیه السلام در سخن‌های بسیاری، حیا را ریشه و علت عفت می‌داند (آمدی، ۱۳۶۶). ایشان میزان عفت در وجود هر کسی را به اندازه حیا او می‌داند (آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۶۱۸). امام صادق علیه السلام انسان عقیف و باحیا را محبوب خدا معرفی می‌کند (طوسی، ۱۳۹۱، ص. ۳۹). امیرالمومنین علیه السلام دو ویژگی حیا و عفاف را در رابطه ای تنگاتنگ با یکدیگر و از ویژگی های آزادگان معرفی می‌کند (آمدی، ۱۳۶۶). «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز جایگاه عفاف را در کنار حیا این گونه بیان می‌فرماید: «اسلام برهنه است؛ لباس آن حیا و زینتش، عفاف است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۵). با وجود این نزدیکی معنایی، فضیلت حیا بیشتر از عفت است. عفت متعلق به قوه شهوت و حیا متعلق به دو قوه غضب و شهوت است (نراقی، ۱۳۶۷، ص. ۳۶۸). امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «ریشه مردانگی، حیا و میوه‌اش پاکدامنی است (آمدی، ۱۳۶۶). بر اساس روایاتی که ذکر شد، عفاف یکی از عوامل هم‌بسته با حیا است که در صورت تقویت آن، حیا به عنوان محور راهبردهای فرهنگی جامعه تقویت می‌شود.

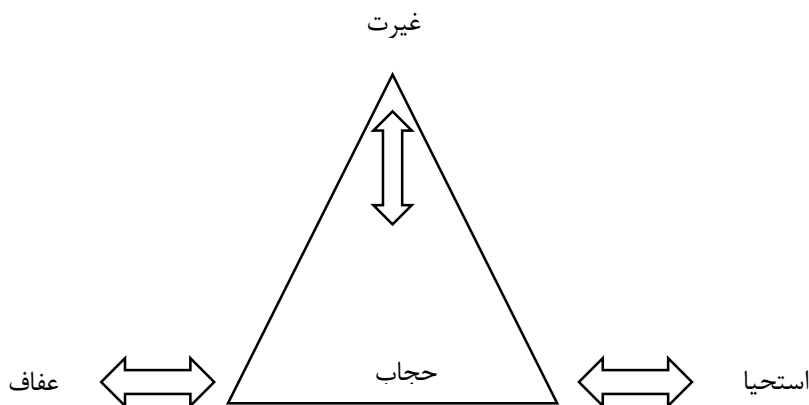
یکی دیگر از فضائل انسانی هم‌بسته با حیا، حجاب است؛ اصل حجاب و پوشش، امری فطری و سرشته با خلقت بشر است. یکی از شواهد قرآنی آن، داستان پوشش عورت آدم و حوا با برگ است: «آن هنگام اندامشان (عورتشان) بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود تا عورت خود را بپوشانند (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۱)». از آنجا که احکام اسلامی بر اساس ساختار وجودی و فطری انسان تعیین شده، رعایت حجاب واجب است. حجاب شرعی، صرفاً شامل پوشش بدن و موی سر نبوده و علاوه بر آن، دو ضابطه ساختاری و مبنایی پرهیز از تبرج و جلب توجه، از تأکیدات احکام شرعی است و رعایت آن شامل مردان نیز می‌شود. به‌طور قطع به‌کارگیری هنرمندانه حجاب به عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی جامعه، با اقبال عموم مواجه خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل هم‌بسته با حیا، غیرت است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «پاکدامنی مرد به اندازه غیرت اوست (دشتی، ۱۳۹۲، ص. ۳۹۲)». در واقع این روایت نشان می‌دهد که اگر در وجود مردی غیرت با شد، حیا می‌رود و از آلوده شدن خود به امور منافی حیا و عفت دوری می‌کند. هر چند واژه غیرت در مورد بسیاری از پدیده‌های مقدس به کار می‌رود؛ اما غیرت را می‌توان در سه دسته کلی به غیرت ناموسی، غیرت ملی (و میهنی) و غیرت دینی تقسیم کرد. انسان غیور در همه موقعیت‌ها واکنش نشان می‌دهد؛ زمانی که حریم خصوصی و جان و مال خود را در معرض خطر می‌بیند، به دفاع از حریم خانه و خانواده می‌پردازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهمیت غیرت ناموسی می‌فرماید: «خداوند متعال از مردی که به زور وارد خانه اش شوند و او نجنجد، نفرت دارد (متقی، ۱۳۷۲، ص. ۳۶۷)». تجلی غیرت مردان را باید در حمایت از عفت و ناموس خود جست و جو کرد. بنابراین حفاظت و حمایت از ناموس، ارتباط تنگاتنگی با شرف و مردانگی انسان دارد و اسلام از هر مسلمانانی خواسته است که از ناموس خود و سایر مسلمانان در برابر هرگونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کند. ضرورت غیرت ورزی مردان نسبت به ناموس خود آنقدر پراهمیت و جریان ساز است که امیرمؤمنین علیه السلام مردان کوفه را به خاطر بی‌غیرتی توبیخ می‌کند: «به من خبر رسیده که زنانان در بازار تنه شان به تنه مردان بی‌ایمان و لاپالی می‌خورد. آیا غیرت ندارید؟! کسی که غیرت ندارد، خیری در او نیست (متقی، ۱۳۷۲، ص. ۷۸۰)». بنابر این سخن غیرت ناموسی آنچنان نقش مؤثری در اصلاح جامعه دارد که اگر آن ویژگی در کسی نباشد، خیر از آن مردم و جامعه رخت برمی‌بندد. انسان باغیرت نه تنها نسبت به ناموس خود، بلکه نسبت به حریم‌های عمومی و ارزش‌های دینی نیز حساس است و از آن‌ها مراقبت می‌کند. غیور در هنگامه نبرد و تجاوز دشمنان اسلام و میهن، به دفاع برمی‌خیزد. نبرد نظامی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و ... تمامی عرصه‌هایی است که انسان غیرتمند در آن نقش‌آفرینی کرده و با غیرت ورزی، خطر را از خود و جامعه دور می‌کند.

به‌طور کلی غیرت از راهبردهایی است که با تقویت آن، جامعه در مقابل تهاجم سخت و نرم دشمنان مقاوم می‌شود و از انفعال خارج شده و در مواقع نیاز به صورت فعال واکنش نشان می‌دهد. در واقع غیرت با دور کردن دامن فرد، خانواده و جامعه از همه آلودگی‌ها و انحرافات، نقش بسیار مؤثری را در میان راهبردهای فرهنگی جامعه

ایفا می‌کند به صورت کلی عوامل هم‌بسته با استحياء و تقویت‌کننده و پشتیبان این فضیلت اخلاقی در تصویر شماره یک نمایش داده شده است.

تصویر شماره یک. سه ضلع مثلث استحياء



نتیجه‌گیری

در پایان و از آنجا که ذکر چند راهبرد فرهنگی در جامعه برای ملموس و عینی شدن مفهوم این پژوهش الزامی است، در این بخش به چند مورد از راهبردهای فرهنگی مورد نظر اسلام اشاره می‌شود و نقش محوری استحياء در نسبت با هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما پیش از آن و از آنجا که استحياء یک مفهوم دینی است، ذکر این نکته ضروری است که رابطه میان دین و فرهنگ، نسبت کل به جزء است. دین جزء و فرهنگ کل است (بهرامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۳).

الف. راهبرد الگوهای عینی و تجربی

یکی از مؤثرترین راهبردهایی که می‌تواند جامعه را به سمت صلاح سوق دهد، راهبرد الگوهای عینی و تجربی است. این راهبرد ساده‌ترین و مناسب‌ترین راه برای معرفی الگو به جامعه است. شیوه‌ای که مخاطب منطبق با آن تصمیم‌گیری می‌کند تا از پیامدهای ناگوار اجتناب کند. بر اساس این راهبرد کلیدی و انسان‌ساز و منبعث از قرآن کریم، خداوند همواره الگوهای عینی، تجربی و دست‌یافتنی را به مخاطب

معرفی می‌کند. راغب اصفهانی «اسوه» یا الگو را حالتی برمی‌شمارد که انسان را وامی‌دارد که به دیگری نگاه کرده و در تمام شئون از او تبعیت کند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۷۶). الگوهای قرآنی به صورت عینی و تجربی، پیامدهای قطعی هر انتخابی را که باعث سعادت و یا شقاوت می‌شود، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. به عنوان مثال خداوند همزمان با اینکه فرعون را به عنوان الگوی سیئه معرفی و آثار و پیامدهای رفتارهای مبتنی بر این الگو را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، همسر فرعون را نیز به عنوان الگوی حسنه برای انتخاب به مخاطب معرفی می‌کند (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۵۶۰). «از آن جایی که سرنوشت عینی و الگوهای تجربی الگوهای سیئه، شقاوت و بدبختی است، خداوند به‌طور دائم از مردم خواسته که الگوی حسنه را ملاک تصمیم و عمل و رفتار خود قرار دهند. آیات ۴ و ۶ سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران او و آیه ۲۱ سوره احزاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان الگو معرفی می‌کند. در این راهبرد فرهنگی حتی اگر مخاطب به‌صورت نظری با دین آشنا نباشد، باز هم می‌تواند طبق الگوهای حسنه و سیئه قرآنی انتخاب کرده و به نتیجه مطلوب برسد (آخوندی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۷).

۱. الگوی سیئه قوم لوط به‌عنوان قوم بی‌حیا

قوم لوط نمونه جامعه‌ای است که خداوند در چندین سوره به آن اشاره کرده است. به تصریح قرآن کریم همه سرزمین این قوم به علت فقدان حیا نابود شد: «لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۳۹۹). شهوت آنچنان آن‌ها را مست کرده بود که گویی عقلشان را از دست داده بودند (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۲). تکرار انذارهای قرآن در خصوص سرنوشت اسفبار این قوم، عبرتی است تا ارتباط مستحکم بین فقدان حیا و نزول بلاهای زمینی و آسمانی روشن شده و با معرفی یکی از الگوهای سیئه، نقش محوری استحياء به عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی جامعه رخ بنمایاند. بر این اساس راهبری جامعه به سمت الگوی زندگی حیامدار و دور شدن از سبک زندگی فاقد حیا، جامعه ایرانی از نابودی و اضمحلال مصون می‌شود.

۲. راهبردهای فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ الگوی حسنه جامعه

قرآن کریم الگوی حسنه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز به عنوان الگویی جامع در تمامی شئون معرفی می‌کند. کلیه رفتارها و عملکردهای ایشان از جمله رابردهای فرهنگی اتخاذ شده در حکومت نبوی، بهترین الگویی است که باید از آن‌ها تبعیت کرد. در ادامه به چند نمونه از رابردهای فرهنگی منبعت از سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌شود:

رابرد قانونگرایی: قانون‌مداری به معنای قاعده‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای مورد پذیرش اکثریت و باعث تداوم و قوام جامعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شیوه‌های مختلف این رابرد را به کار گرفتند (کارگران، ۱۳۹۸، ص. ۳۳). ایشان به عنوان رهبر و مرجع تعیین رابردهای فرهنگی جامعه، رابرد قانون‌گرایی را از طریق پایبندی به عهد و پیمان نهادینه کردند. این رابرد، جامعه را از بی‌نظمی، هرج و مرج و بی‌اعتمادی انسانها نسبت به یکدیگر مصون می‌کند. همچنین هم‌اندیشی یکی از ابزارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تقویت رابرد قانون‌گرایی بود. آن حضرت با مشورت و شورا تلاش می‌کردند تا افراد را از اعضای منفعل به کنشگرانی فعال در جامعه تبدیل کنند. این ویژگی در سیره نبوی از آن منظر شگفت‌انگیز است که ایشان معصوم و دارای علم لدنی بودند و برای تصمیم‌گیری، نیازی به مشورت نداشتند.

رابردهای قانونگرایی و استحياء دو رابردی هستند که می‌توانند تأثیرات دوجانبه‌ای بر یکدیگر داشته باشند. از یک سو با تقویت قانونگرایی در میان مردم، قوانین حوزه عفاف و حجاب نیز بیشتر رعایت می‌گردد و از سوی دیگر تقویت رابرد استحياء و تربیت انسان‌های باحیا، افرادی دارای مدیریت نفس و خویش‌تن داری بالا و دارای نیروی مهارکننده درونی را روانه جامعه می‌کند که توان نظم دهی و قانون‌پذیری مناسبی دارند و از ناهنجاری‌ها دوری می‌کنند.

رابرد عدالت و مساوات: عدالت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین رسالت انبیاء از کارآمدترین و انسان‌سازترین رابردهای فرهنگی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سنگ بنای رابردهای فرهنگی جامعه را بر اساس این رابرد استوار کردند و با برهم‌زدن نظام طبقاتی دوران جاهلیت و برقراری مساوات میان مسلمانان و معیار قرار دادن تقوا به عنوان ملاک برتری، اساسی بودن این رابرد را به خوبی به منصفه ظهور رساندند. ایشان درباره فلسفه ضرورت رعایت مساوات در میان همه انسان‌ها می‌فرماید: «مردم همانند دندان‌های یک شانه، مساویند و هیچ مزیتی بر یکدیگر به

جز تقوا ندارند. ایشان در خطبه ای پس از فتح مکه درباره جایگاه مساوات در حکومت خود فرمود: «ای مردم! آگاه باشید که پروردگارتان و پدرتان یکی است. نه عرب برعجم و نه عجم بر عرب و نه سیاه بر سفید و نه سفید بر سیاه برتری ندارد؛ مگر به تقوا (صالحی دمشقی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۱)». ایشان در تقسیم غنائم و سایر اموال بیت‌المال نیز مساوات را رعایت می‌کردند. سعد بن ابی وقاص وقتی در جنگ بدر مشاهده کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غنائم را به‌صورت یکسان تقسیم می‌کنند اعتراض کرد. آن حضرت در جواب او فرمود: «هدف من از این جنگ، حمایت از بیچارگان در برابر زورمندان است. من برای این برانگیخته شدم که تمام تبعیضات و امتیازات موهوم را ریشه کن کرده و تساوی در برابر حقوق در میان مردم را جایگزین کنم (سبحانی، ۱۳۹۸، ص. ۵۱۴)». یکی از ابزارهای آن حضرت برای نهادینه کردن راهبرد فرهنگی عدالت، اجرای عدالت در مورد نزدیکان خود بود. یکی از نمونه‌های تاریخی آن ابلاغ حکم ربا بود. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حجة‌الوداع می‌خواستند رباخواری را در میان مردم ممنوع کنند، برای اینکه عملاً به تبعیض در اجرای قانون خط بطلان بکشند، ابتدا از عمومی خود شروع کردند و هر چه عباس از بهره پول در ذمه مردم داشت، ابطال کردند (یعقوبی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۰). در موردی دیگر کنیز ام سلمه - همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - دست به دزدی زد؛ او را دستگیر کردند و پیش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند. ام سلمه درباره او شفاعت کرد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای ام سلمه! این حدی از حدود الهی است که نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۳۲)».

راهبردهای عدالت و استحياء رابطه دو سویه دارد. در صورتیکه عدالت خواهی در میان مردم نهادینه شود، آلودگی‌ها و انحرافات کاهش می‌یابد. در واقع پرورش انسان‌های عادل باعث می‌شود گفتار و رفتار عادلانه در جامعه رواج یابد. از سوی دیگر با تقویت استحياء و خویشتن‌داری در افراد و بالا رفتن قدرت آن‌ها در مدیریت نفس، پیروی از هوس‌ها کاهش پیدا کرده و رفتارهای حیامدار بروز می‌کند. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که از چه طریق عدالت انسان شناخته می‌شود، فرمود: «هر کسی را به داشتن حیا و پاکدامنی و نگهداشتن شکم و شهوت و دست و زبان بشناسید (طوسی، ۱۳۹۱، ص. ۳۳)». این سخن نیز بر تأثیر مستقیم عدالت و حیا بر یکدیگر تأکید دارد.

راهبرد جوانگرایی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طول زندگی و به‌ویژه در دوران حکومت، برای جوانان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند. این توجه باعث شد که جوانان، نقش‌های مهمی را در حکومت نبوی بر عهده بگیرند (کارگران، ۱۳۹۸، ص. ۳۳) یکی از نمودهای سیره جوان‌گرایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می‌توان در سپردن کارهای مهم به امیرالمومنین علیه‌السلام یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روزی به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: آیا از مقام و منزلت علی علیه‌السلام نزد من خبر داری؟ او دوازده ساله بود که مرا حمایت کرد. شانزده ساله بود که علیه دشمن شمشیر کشید. نوزده ساله بود قهرمانان را کشت. بیست ساله بود که غم‌هایم را زدود. بیست و دو ساله بود که در قلعه خیبر را کند؛ دری که پنجاه مرد نمی‌توانستند آن در را بلند کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص. ۶). از آنجا که استحیاء شیوه مدیریت نفس است، در جوانان که غرایز و هوس‌ها شعله‌ورتر است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در واقع با به‌کارگیری راهبرد استحیاء و تقویت حیا در میان جوانان به عنوان فعال‌ترین قشر در کشور از هدررفت انرژی آن‌ها جلوگیری شده و جامعه در مسیر رشد و شکوفایی قرار می‌گیرد (کارگران، ۱۳۹۸، ص. ۳۳).

ب) راهبرد سفر و گردشگری: یکی دیگر از راهبردهای فرهنگی جامعه، سفر و گردشگری است که می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای ایجاد نشاط و امیدآفرینی نقش مؤثری ایفا کند. خاستگاه این راهبرد فرهنگی، قرآن کریم است. خداوند متعال درباره این راهبرد جریان ساز می‌فرماید: «در زمین بگردید (قرآن کریم، ۱۳۸۰، ص. ۳۹۹)» سفر زمینه درونی شدن محیط‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرده و از این طریق به رشد و پویایی شخصیت افراد کمک می‌کند. این راهبرد در بلندمدت نیز زمینه تقویت ارزش‌ها و باورهای درونی شده قبلی را ایجاد و آن‌ها را پایدارتر می‌کند. همچنین سفر باعث شناخت فرهنگ‌ها و ارزش‌های مختلف و موجب توسعه دایره شناختی فرد و آگاهی یافتن از سرنوشت اقوام و جوامع و عبرت گرفتن از آن‌ها می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۷). هر چند این راهبرد از منظر اسلام با پدیده توریست در فرهنگ غربی متفاوت است؛ اما با تقویت این راهبرد با رویکرد دینی و با رضای نفس از طریق کسب لذت‌ها و سرگرمی‌های حلال، زمینه گناه و فساد از بین رفته و ایمان و نشاط در وجود افراد بیشتر شده و در نتیجه حیا افزایش می‌یابد.

بنابر آنچه که ذکر شد، در این پژوهش پنج راهبرد فرهنگی به‌عنوان نمونه‌هایی از راهبردهای اسلامی برای راهبری فرهنگ جامعه معرفی شد. خاستگاه دو راهبرد قرآن

کریم و خاستگاه سه راهبرد دیگر تعمق در سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی و اسوه حسنه بوده است. هر چند این استخراج این راهبردهای فرهنگی از میان آموزه‌های اسلامی روشی جامع و مانع نبوده است؛ اما این شیوه در نگارش مقاله به‌این دلیل بوده است که نقش محوری استحیاء به‌عنوان محور کلیه راهبردهای فرهنگی جامعه به‌نمایش گذاشته شود تا توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران عرصه فرهنگ عمومی کشور به‌مقوله استحیاء و حیا به‌عنوان رکن رکین سیاستگذاری‌ها معطوف شود. در پایان ذکر چند نکته به‌عنوان نتایج عملیاتی ضروری است:

۱. با توجه به‌اینکه دین جزئی از فرهنگ جامعه است، با تقویت اعتقادات، اخلاق و احکام دینی، فرهنگ جامعه نیز به‌فرهنگ مطلوب نزدیک تر می‌شود. از آنجا که حیا با ایمان ارتباط مستقیم دارد، با افزایش حیا، ایمان و دینداری افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه با توجه به رابطه جزء به کل دین و فرهنگ، با افزایش حیا، فرهنگ نیز در جامعه تقویت می‌شود. در واقع حیا که از مهم‌ترین فضائل اخلاقی است، زمینه ورود انسان به دایره ایمان را فراهم می‌کند. پس از آن با انجام اعمال صالح که باعث ایجاد ایمان قلبی است، دینداری تقویت می‌شود. ائمه اطهار علیهم السلام به‌صورت مستمر به ارتباط تنگاتنگ بین حیا و ایمان اشاره کرده‌اند. پس زمانی که برای رسیدن به فرهنگ مطلوب و عناصر آن برنامه ریزی صورت می‌گیرد، باید به‌نقش محوری استحیاء در راهبردهای فرهنگی جامعه توجه ویژه‌ای شود.

۲. دشمن با کشف اثرگذاری حیا به‌عنوان نقطه قوت فرهنگ اسلامی_ایرانی، برنامه‌هایی را برای حیازدایی از افراد، خانواده‌ها و جامعه طراحی کرده است. آن‌ها پس از ناامید شدن از اثربخشی جنگ نظامی علیه ملت ایران، تهاجم فرهنگی را به‌صورت گسترده آغاز کرده است. امروزه نتیجه سال‌ها جنگ نرم فرهنگی و سرمایه‌گذاری‌های کلان و بلندمدت را در تعداد فراوان شبکه‌های فارسی زبان، افزایش ضریب نفوذ شبکه‌های اجتماعی در میان مردم و ... می‌توان مشاهده کرد. در مقابل این جنگ ترکیبی گسترده، نیاز به‌آفند ترکیبی همه‌جانبه نیز ضرورت دارد. به‌طور قطع یکی از راهکارهای پیروزی در این جنگ فرهنگی و رسانه‌ای، تقویت استحیاء و توجه سیاستگذاران و متولیان امور فرهنگی به نقش محوری آن در میان راهبردهای فرهنگی جامعه است.

۳. از آنجا که خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جامعه و عامل انتقال فرهنگ و تمدن است و با توجه به‌اینکه زن عنصر محوری این نهاد مقدس

است، تقویت حیای زن به‌عنوان عنصر گرم‌کننده کانون خانواده، می‌تواند فرهنگ جامعه را به صورت جهشی رشد دهد و راهبردهای فرهنگی را جهت رسیدن به فرهنگ مطلوب ساماندهی کند. هر چند که اثربخشی بر جامعه نیاز به ساماندهی قانونی و اقدامات مکملی نیز دارد.

۴. همان‌گونه که در تعریف قانون مداری به‌عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی حکومت نبوی ذکر شد، قانون‌گرایی به‌معنای ضابطه‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین‌شده و مورد پذیرش اکثریت و باعث تداوم و قوام جامعه است. متناظر با آن حیا نیز امری فطری و مورد پذیرش عموم جامعه است. لذا ضابطه‌مند و حیا‌مدار کردن پوشش و رفتار مردم در عرصه عمومی اجتماع، می‌تواند تأثیرات شگرفی در تقویت استحیاء در جامعه و به تبع آن تقویت فرهنگ عمومی داشته باشد. به این منظور، قوانین بسیار سازنده و مفیدی نیز در مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیأت وزیران و ... به تصویب رسیده است. لیست بلندبالایی که مؤثرترین و جامع‌ترین آن‌ها، آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مصوب شورای فرهنگ عمومی در سال ۱۳۸۴ است. به‌طور قطع اهتمام به این قوانین و ایجاد مرجعی بالادستی در کشور جهت پیگیری، اجرا و دریافت بازخورهای اصلاحی، حیا در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی را تقویت کرده و نقش مؤثری را در تحقق راهبردهای فرهنگی ایفا می‌کند. از آنجا که این پژوهش به نقش محوری استحیاء در راهبردهای فرهنگی جامعه پرداخته است، پی‌شنه‌ادات پژوهشی زیر به عنوان پژوهش‌های مکمل این تحقیق ارائه می‌گردد:

۱. جایگاه تربیت فرزندان حیا‌مدار در تحقق راهبردهای فرهنگی جامعه
 ۲. تأثیر حیای زن در خانواده بر تحقق راهبردهای فرهنگی جامعه
 ۳. نقش محوری استحیاء در بازسازی ساختارهای فرهنگی کشور
- علاوه بر پی‌شنه‌ادات پژوهشی فوق، پی‌شنه‌ادات اصلی این پژوهش، این است که کلیه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی باید پیوست حیا داشته باشد.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: سمت.
- اکبری دستک، ف.، نعمتی پیرعلی، د.، & رودمقدس، ر. (۱۳۹۷). غیرت و کارکردهای آن در آموزه‌های دینی. *فصلنامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی*، ۴۴(۱۵)، ۹۷-۱۲۲. بازیابی از magiran.com/p/۱۸۵۵۱۶
- آخوندی، م. (۱۳۹۶). راهبردهای فرهنگی نفوذ اجتماعی دین در آموزه‌های قرآن. *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ۱۴(۲۲)، ۱۵۰-۱۷۳. [doi:https://dx.doi.org/10.22081/jqr.10.22.150-173](https://dx.doi.org/doi:10.22081/jqr.10.22.150-173)
- آمدی، م. (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم* (نسخه ۱). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- بنی فاطمه، ح. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی تهاجم فرهنگی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)*، ۱۷۴(۴۳)، ۳۵-۵۸. بازیابی از <https://civilica.com/doc/399423>
- بهرامی، م. (۱۳۸۷). نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*، ۵۴(۱۴)، ۲۰۳-۱۷۲. بازیابی از https://jqr.isca.ac.ir/article_4371.html
- پسنیدیه، ع. (۱۳۹۶). روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربرد آن در مفهوم حیا. *دوفصلنامه اخلاق و حیانی*، ۱۲(۷)، ۶۷-۹۶. بازیابی از http://ethics.isramags.ir/article_15097.html
- جزایری، م. (۱۳۹۰). رابطه حجاب با حیا و عفاف. رابطه حجاب با حیا و عفاف. رشد آموزش معارف اسلامی، ۱۱(۲۳)، ۲۶-۲۹. بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/>
- حرّعاملی، م. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه* (نسخه ۱). قم: مؤسسه آل‌البتین لإحياء التراث.

- حسینی دشتی، س. (۱۳۸۵). معارف و معاریف: دایره‌المعارف جامع اسلامی (جلد ۱). تهران: انتشارات آرایه.
- خامنه ای، س. (۱۳۷۳). فرهنگ و تهاجم فرهنگی (نسخه چاپ اول). قم: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خرم، م. (۱۳۷۶). هویت (نسخه چهارم). تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی حیان.
- دشتی، م. (۱۳۹۲). ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات یاسین نور.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۰۴ ق). المفردات فی غریب القرآن. قم: دفتر نشر کتاب قم.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۸). کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساרוخانی، ب. (۱۳۷۶). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی (جلد ۱). تهران: کیهان.
- سبحانی، ج. (۱۳۹۸). فروغ‌ابدیت (نسخه ۳۷). قم: بوستان کتاب.
- صالحی دمشقی، م. (۱۴۱۴ ق). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد (نسخه ۱، جلد ۱). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طباطبایی امیری، ف. و محمدیان، ا. (۱۳۹۱). نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی. فصلنامه طهور، ۱۲(۵)، ۱۱۱-۱۳۶. بازیابی از magiran.com/p119320
- طباطبائی، س. (۱۴۱۴ ق). تنفسیرالمیزان. (س. م. همدانی، مترجم) قم: دفتر جامعه اسلامی جامعه مدرسین.
- طریحی، ف. (۱۳۸۵). المنتخب للطریحی فی جمع المراثی والخطب المشتهر. قم: مکتبه الحیدریه.
- طوسی، خ. (۱۳۹۱). اخلاق ناصری. تهران: انتشارات اقبال.
- عارفی، ی. (۱۳۹۳). راهبرد فرهنگی آمریکا و انجوها در افغانستان. نشریه جریان شناسی دینی معرفتی در عرصه بین الملل، ۴(۲)، ۷۵-۱۱۷. بازیابی از http://pma.journals.miu.ac.ir/article_22269.html
- قرآن کریم، (۱۳۸۰). تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کارگران، ا. (۱۳۹۸). راهبردهای فرهنگی حکومت نبوی در مدینه. فصلنامه مدیریت در اسلام، ۳۹(۱۴)، ۳۷-۳۲.
- متقی، ع. (۱۳۷۲). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال (جلد ۱). بیروت: مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، م. (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، م. (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار علیهم السلام (جلد ۳). بیروت: مؤسسه الوفاء. مجلسی.
- مجلسی، م. (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار علیهم السلام (جلد ۷۵). بیروت: مؤسسه الوفاء.

- محققیان, ز. (۱۳۸۸). *جامعه شناسی انحرافات*. تهران: پرتوی خورشید.
- محمدی ری شهری, م. (۱۳۷۷). *میزان الحکمه* (جلد ۳). (ح. ر. شیخی, مترجم) قم: دارالحدیث.
- مسگرزاد, ج. (۱۳۷۳). جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازداری تهاجم فرهنگی. *مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی*, ۴۵-۵۴.
- مکارم شیرازی, ن. (۱۳۸۱). *اخلاق در قرآن* (جلد ۲). قم: موسسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- میرسلیم, س. (۱۳۷۵). *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- نراقی, م. (۱۳۶۷). *اخلاق اسلامی (گزیده کتاب جامع السعادات)*. (س. ج. مجتوبی, مترجم) تهران: حکمت.
- یعقوبی, ا. (۱۳۸۹). *تاریخ یعقوبی*. (م. ا. آیتی, مترجم) تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Ahmadi, H. (1384). *Soc iology of Deviations*. Iran: Samt.
- Akbari Dastak, F., Nemati Pir Ali, D., & Rudmoghadas, R. (1397). Zeal and its functions in religious teachings. *Scientific Quarterly of Islamic Insight and Education*, 44 (15), 97-122. Retrieved from magiran.com/p185516
- Akhundi, M. (1396). Cultural Strategies for the Social Influence of Religion on the Teachings of the Qur'an. *Quarterly Journal of Quranic Research*, 84 (22), 150-173. doi: <https://dx.doi.org/10.22081/jqr.2017.46758.1436>
- Ameli, H. (1409 AH). *Shiite means to study Sharia issues* (version 1). Iran: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
- Arefi, Y. (1393). US Cultural Strategy and NGOs in Afghanistan. *Journal of Religious Epistemology in the International Field*, 4 (2), 75-117. Retrieved from http://pma.journals.miu.ac.ir/article_2269.html
- Bahrami, M. (1387). The relationship between religion and culture from the perspective of the Qur'an. *Quranic Studies*, 54 (14), 172-203. Retrieved from https://jqr.isca.ac.ir/article_4371.html
- Bani Fatemeh, H. (1379). Sociological analysis of cultural invasion. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Tabriz)*, 174 (43), 35-58. Retrieved from <https://civilica.com/doc/399423/>

- Dashti, M. (1392). Translation of Nahj al-Balaghah. Iran: Yasin Noor Publications.
- Hosseini Dashti, S. (1385). Maaref and Maaref: Comprehensive Islamic Encyclopedia (Volume 1). Iran: Array Publications.
- Jazayeri, M. (2011, The relationship between hijab and modesty and chastity). The relationship between hijab and modesty and chastity. The Growth of Islamic Education, 81 (23), 26-29. Retrieved from <http://ensani.ir/fa/article/243072>
- Khamenei, S. (1373). Culture and Cultural Invasion (first edition). Iran: Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution.
- Khorram, M. (1376). Identity (Fourth Edition). Iran: Hayan Cultural and Publishing Institute.
- Pasandideh, A . (1396). The conceptual method of ethical issues and its application in the concept of modesty. Bi-Quarterly Journal of Revelation Ethics, 12 (7), 67-96. Retrieved from http://ethics.isramags.ir/article_50970.html
- Majlesi, M. (1404 AH). Bihar Al-Anwar Al-Jame'a for the news of the Imams of Al-Athar, peace be upon them. Lebanon: Al-Wafa Foundation.
- Majlisi, M. (1404 AH). Bihar Al-Anwar Al-Jame'a for the news of the Imams of the Pure (peace be upon them) (Vol. 3). Lebanon: Al-Wafa Foundation.
- Majlisi, M. (1404 AH). Bihar Al-Anwar Al-Jama'ah for the news of the Imams of Purity (peace be upon them) (Vol. 75). Lebanon: Al-Wafa Foundation.
- Makarem Shirazi, n. (1381). Ethics in the Qur'an (Vol. 2). Iran: Imam Ali Ibn Abi Talib Institute.
- Mesgarnejad, J. (1373). The place of literature and literary sciences in preventing cultural invasion. Proceedings of the Conference on Cultural Invasion, 45-54.
- Mirsalim, S. (1375). Encyclopedia of the Islamic World. Iran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Mohammadi Rey Shahri, M. (1377). The Scale of Wisdom (Volume 3). (H. R. Sheikhi, translator) Iran: Dar al-Hadith.

- Mottaqi, A. (1372). *Kanzol Amal fi Sonanel Aghval & Afal*. Lebanon: Post Institute.
- Naraghi, m. (1367). *Islamic ethics (excerpt from the comprehensive book of happiness)*. (S. J. Mojtabawi, translator) Iran: Hekmat.
- Rafipour, F. (1388). *Explorations and assumptions*. Iran: Publishing Joint Stock Company.
- Ragheb Isfahani, H. (1404 AH). *Vocabulary in the stranger of the Qur'an*. Iran: Qom Book Publishing Office.
- Researchers, Z. (1388). *Sociology of Deviations*. Iran: Sunbeam.
- Salehi Damascus, M. (1414 AH). *Sabl al-Huda and al-Rashad in the biography of Khair al-'Abad (version 1, volume 1)*. Lebanon: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Sarukhani, b. (1376). *An Introduction to the Social Science Encyclopedia (Vol. 1)*. Iran: Kayhan.
- Sobhani, J. (1398). *The Light of Eternity (Version 37)*. Iran: Book Garden.
- Tabatabai Amiri, F., & Mohammadian, A. (1391). *The role of family religious education in countering cultural invasion*. *Tahora Quarterly*, 12 (5), 111-136. Retrieved from magiran.com/p1193200
- Tabatabai, S. (1414 AH). *Tafsir Almizan*. (S. M. Hamedani, translator) Iran: Office of the Islamic Society of the Society of Teachers.
- *The Holy Quran*. (1380). Iran: Office of Islamic History and Studies.
- Toreihi, F. (1385). *Selected for design in the collection of inheritance and popular speech*. Iran: Al-Haydariyah Library.
- Tousi. (1391). *Nasiri ethics*. Iran: Iqbal Publications.
- *we came*. (1366). *Ghorar Ol-Hekam (Version 1)*. Iran: Qom Seminary Islamic Propaganda Office.
- Workers, a. (1398). *Cultural Strategies of the Prophetic Government in Medina*. *Management Quarterly in Islam*, 39 (14), 22-37.
- Yaqubi, A. (1389). *History of Jacob*. (MA, translator) Iran: Scientific and Cultural Publishing Company.